

شمیم زلف تو در هر کرانه می پیچد

مهدی توکلیان

بر چهره‌های خود ندیده‌ایم
مولای من!
دوست داریم
چنان باشیم
که چنان خواهی.
چرا که بسیاری،
شما چنان بوده‌ای،
که نهایت آرزوی ما، بوده
آقای مهربان! گناه ما
نگاه لطف شما را
از روی ما برنداشته.
در تمامی لحظه‌هایی که
مسلک هوس را به
مسلخ ایمان
آوردیم
ای طلوع بی‌غروب!
از طلعت زیبای تو گر پرده برافتد
ماه از نظر مردم صاحب نظر افتد.
(وفا)

را در آن فروغ همیشه درخشان
تسلی دهیم
و روشن‌ترین ستاره (امید)
را
در دل‌های شب زده
خویش، روشن سازیم
می‌خواهیم،
مولای غریب خود را بخوانیم
که دریای غم
بسته کاغذ را
از اشک دریاگون می‌کند.
می‌خواهیم،
مولای غریب خود را بخوانیم
که می‌یابیم
خود غریب‌ترین
غریبانیم
در این غریبستان
آقا جان!
در این روزگار نامهربان
آن قدر با خود
نامهربان، بوده‌ایم
که شربت محبت مولا را
نچشیده‌ایم
و شاید هنوز
نقش درد غربت را

فاوف لنا الکیل
و تصدق علينا
ان الله یجزی المتصدقین»
آقا جان!
ما با کالایی ناچیز
به سوی تو آمده‌ایم
نیکی کن
و با طلوع خود
شب ما تیره‌روزان را
سحر کن
ای وجود آسمانی!
و ای دلپذیر،
از دل بپذیر
سالیان پس درازی است
که حکایت شما را
هزاران حکایت نویس
که جان به سرزمین مرگ
برده‌اند
حتی،
ذره‌ای به سزا
از حریم حرمت
وصف شما
نیاورده‌اند.
ای طلای ناب حیات!
ای کیمیای سعادت!
و ای طلایه دار،
طلایی‌ترین آرزوها!
بسیاری، نخل برومند
«امید» را
در سبزترین باغ آرزوها
بر دلهاشان
زنده نگاه داشته‌اند
و عارفانه‌ترین کردار
و بی‌گفتارترین رفتار
را گزیده‌اند و به
«انتظار» نشسته‌اند
تا شما!
ای وجود بی‌مثل کی می‌آیی؟
ای تنها بهانه شادی دلها
در پهنای پهن
بی‌شادی این دنیای بی‌غم
بیایی
و روزه لبخند
واکنند.
□ آقا جان!
می‌خواهیم دل‌های غم‌زده خوش

چه خوب بود که از تو زمانه پر می‌شد
و جای خالی تو شادمانه پر می‌شد
شمیم زلف تو در هر کرانه می‌پیچد
فضای تنگ دل از بیکرانه پر می‌شد
(پروانه)
ای کعبه حاجات یاران!
و ای قبله اصحاب الفت!
آقا جان!
درد انتظار را
به حلاوت رویای زیارت شما
بر جان خریدیم.
ای آخرین نور
از نخستین
نور!
و ای امام نهان از نظر!
ای آنکه یادت
قرار دل بی‌قرار
و حسرت عطا ف شما
بر دل‌های پر شرار
ماست
دل‌های غمگین غبار گرفته
به انتظار
تا ابر عنایت شما
رشحه‌ای دهد
ای معدن عطا!
و ای بحر رافت و مهربانی!
بیا و دل‌های شیدای ما را
با
آرزوهای بی‌انتهای
به پایان ببر
ای ماه عالم آرا
ای کعبه دل‌ها!
و ای جلوه آفتاب امید
ای آینه جمال توحید
ای گوهر بحر ولایت و ماه گردون
هدایت
مولای ما
ما و خاندان ما را
بیچارگی فرا گرفته است
احسان و نیکی خود را در حق ما
تکمیل فرما
«یا ایها العزیز
مسنا و اهلنا الضّر
و جنتنا بیضاعة مزجاة